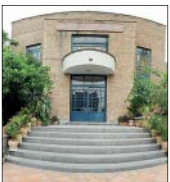
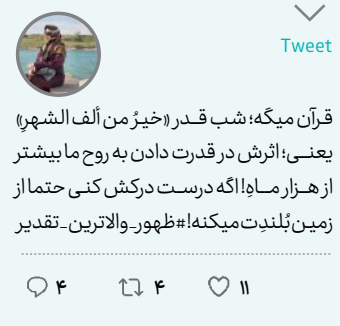
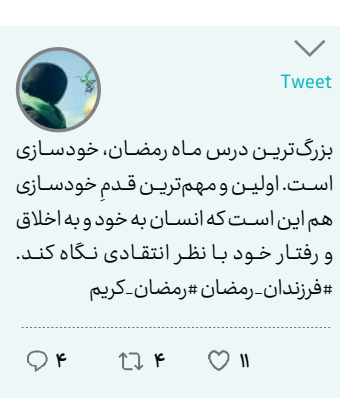
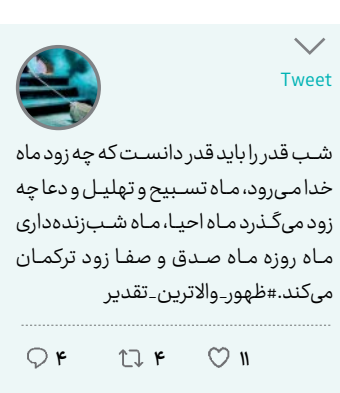
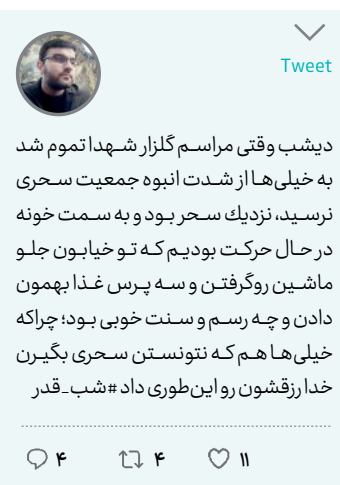


۱۰ فرهنگ ادبیات وهنر

توییت گرام

#ظهور-والاترین-تقدیر

در شب‌های قدر فضای مجازی هم حال و هوای دیگری به خود می‌گیرد و کاربران از این شب‌ها و حال و هوای معنوی‌اش می‌نویسند. نگاهی انداختیم به نوشته‌های کاربران شبکه‌اجتماعی توییتر تا ببینیم این افراد که اصولا دیگر مسائل سیاسی و اجتماعی هستند، در این فضا از شب قدر چه نوشته‌اند



آیین شب‌های قدر در خانه هنرمندان تهران

همزمان با شب ضریبت خوردن مولای متقیان حضرت علی(ع) مصادف با نوزدهم ماه مبارک رمضان، آیین شب‌های قدر همچون سال‌های گذشته در باغ هنر خانه هنرمندان ایران برگزار شد. این مراسم همچنین در شب‌های بیست‌ویکم و بیست‌وسوم ماه مبارک رمضان از ساعت ۲۲ و ۴۵ دقیقه در محوطه باغ هنر خانه هنرمندان ایران برگزار خواهد شد.



با استفاده از اثری از حسن روح‌الامین

چرا زندگی امیر المومنین با چنین تراژدی عظیمی به پایان رسید؟ یک کارشناس مذهبی به سوّالات ما پاسخ می‌دهد

آه از علی‌نشناس‌ها

گروه معارف

﴿ يك بار ديگر برويد خطبه اشباه الرجال حضرت امير در كتاب مستطاب نهج البلاغه را بخوانيد؛ اين تنهائي عجيب، اين اندوه منتشر، اين غم طاقت فرسا، چرا آنها با او چنين مي‌کردند؟ چرا كاري مي‌کردند كه پيشواي شان چنين لب به گلايه بگشايد و در يكي از درخشان‌ترين خطبه‌هايش تا اين قدر مستاصل باشد از جفاي اين مردم؟ آنها با مرد مهربان اسلام كاري كردند تا براي درد دل به چاه پناه ببرد و براي گلايه به‌آه، براي اين كه بدانيم همه‌آن كليشه‌هايي كه از بي‌وفايي كوفيان سراغ داريم تا چه حد با واقعيات معرفتي جامعه اسلام در آن عهد منطبق است، با علي اسماعيلي گفت‌وگو كرديم؛ اين كارشناس معارف اسلامي در اين مطالعه کوتاه مردم‌شناختي به ما كمك كرد بدانيم چرا پس از گذشت ۳۰سال از رحلت پيامبر آن حكومت قدرتمند و پرنفوذ و پرگستره اسلامي كارش به اينجا رسيد كه ولي پيامبر چنين تنها بماند.

كه براي رسيدن به قدرت همه چيز را حتي يادگار پيامبر يعني حضرت فاطمه(س) را كه از ولايت علي دفاع مي‌كرد، كنار زدند. دليل دوم خود مردم بودند. البته در اين دليل هم رد پاي دليل نخست ديده مي‌شود، چون مردم از ترس حاكمان سعي كردند ماجراي ولايت علي را فراموش كنند و دم نزنند. به حدى حاكمان آن دوره شرايط را اختناق آلود و هراسناك كرده بودند كه مردم سعي مي‌كردند از ترس آنها ماجراي ولايت را نفي كنند. خود حضرت هم وقتي ديدند شرايط چنين است، تشخيص دادند به خاطر منافع اسلام سكوت كنند و ۲۵سال خانه‌نشين شوند.

﴿خب، اين را مي‌شود به عنوان گزارش تاريخي و روايتي صادق و سراسر است از تاريخ اسلام قرائت كرد. اما اگر بر اساس مطالعه‌اي مردم‌شناسانه بخواهيم پيش برويم، چرایی اين رفتار مردم را

كه حتى خود اميرمومنان(ع) در نهج البلاغه بارها موضوع جانشيني خود را مطرح كرده‌اند، وهاييون مي‌گويند علي از ولايت خود دفاع نكرده در حالي كه ايشان قسم مي‌دهند صحابه پيامبر را كه شما روز غدير را به خاطر داريد و مي‌دانيد من ولي شدم، بنا بر اين اين كه بگويم مردم اطلاع نداشتند اشتباهي تاريخي است، صحابه در آن روز شاهد بودند و تابعين هم اطلاع داشتند. آنچه مشخص است اين كه حاكمان آن دوره به خاطر منافع و مطامع شخصي‌شان نتوانستند ولايت علي را تحمل كنند و ماجراي غدير خم را مسكوت گذاشتند. اين كار را حتي با وجود آياتي چون آيه ابلاغ صورت دادند، خداوند به پيامبر مي‌گويد اگر براي خود جانشيني بزنگزيني، كارت ناقص است. پس ما نتيجه مي‌گيريم رسالت پيامبر درست بوده است. بنا بر اين دليل نخست، قدرت‌طلبي حاكمان است

شب‌های قدر مسجد ارك و دانشگاه تهران کلی حواشی و سبك زندگی متفاوت دارد

شب‌زنده‌داری با طعم فلافل و گوجه سبز

خیابان قدس رفته و دارد مسیر رفته را به سمت مسجد دانشگاه برمی‌گردد که ولو می‌شود روی زمین، مادر مفاتیح را روی زمین می‌گذارد و به سرعت برق خودش را می‌رساند به فرزندش و از روی زمین بلندش می‌کند. می‌خواهد ناز پسرک را بخرد که گریه نکند، اما فضاآن قدر مطابق میل پسرک است که فی‌المجلس دوباره سوار دوچرخه‌اش شود و بکوب برود سمت پدرش که حالا دارد لیوان شربت به دست به سمت همسر و فرزندش می‌آید. این سطور مربوط به يك موقعیت فرضی در شهربازی نیست، بلکه مربوط به يك موقعیت واقعی است در یکی از شب‌های ماه رمضان و احیای شب‌های قدر.

يك احيا، يك زندگی

برگزاری مراسم شب‌های قدر در این سال متفاوت‌های جدی با گذشته کرده است. حالا قرار گرفتن ماه رمضان در نیمه اول سال و طول ساعات کوتاه شب هم مزید بر علت شده تا پدیده زندگی شبانه مردم به مرور جای خودش را در فرهنگ رمضانی مردم ایران به خصوص در کلانشهرها باز کند. این زندگی شبانه قبل از این‌که شب یا روز بودنش مهم باشد، زیست و زندگی بودنش مهم است. وقتی موضوع به زندگی و زیست برگشت طبعاً بخش‌های زیادی از زندگی هم در آن دیده می‌شود. روی همین حساب است که در این سال‌ها، دیدن صحنه‌هایی مانند آنچه در سطرهای بالا شرحش رفت، دیگر عجیب و غریب نیست.

در اهمیت و تفاوت داشتن این ویژگی جدید متصور شويد کسی در مراسم احیای شب قدر در مسجد، حسینیة یا تکیه محل قرار بود با دوچرخه فرزندش حاضر شود و همزمان هم مقدار زیادی خوراکی به همراه بیاورد، چه آن‌که قرار باشد خودش مصرف کند یا آن‌که برای فرزند یا فرزندان مهیا شده باشد. مراسم شب‌های قدر که در چند سال اخیر در دانشگاه تهران برگزار می‌شود یکی از مصداق بارز این موضوع به شمار می‌رود. سخنران این مراسم جت‌الاسلام و المسلمین محسن قرائتی است. يك شخصیت روحانی که ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد و همین ویژگی‌ها هم باعث شده

شب تعزیه سنگلج برگزار می‌شود

مراسم شب تعزیه با حضور پیشکسوتان این عرصه در تماشاخانه سنگلج برگزار می‌شود. به گزارش فارس، مراسم شب تعزیه سنگلج با حضور علاءالدین قاسمی، مهدی قاسمی، حسین عقیقی، حسن عقیقی، قهرمان یوسفی، امیر حسن نژاد، جلال علیخانی و حسین صاحب‌دل در سه تاریخ چهارم، ششم و هشتم خرداد ساعت ۲۱ در تماشاخانه سنگلج برگزار می‌شود. ورود برای عموم در این مراسم آزاد است.

چطور می‌توان تبیین کرد؟

جدای از دلایل سیاسی و تاریخی، آنچه مبتلا به مردم آن دوره است، عیار معرفتی پایین است. ما برخی اوقات فکر می‌کنیم مظلومیت حضرت امیر(ع) به خاطر خانه‌نشینی‌اش است یا به خاطر رفتاری که با همسر ایشان در پیش گرفته شد. طبعاً همه اینها جزو دلایل مظلوم‌واقع‌شدن ایشان هست، اما آنچه بیش از همه، آئینه تمام‌نمای مظلومیت ایشان است، همین عیار معرفتی نازل مردم است که باعث شد او را نشناسند. این‌که او را نتوانستند بشناسند، جامعه را به آن سمت برد.

از سوی دیگر باید گفت، خود حضرت امیر(ع) وقت نکرد معرفت مردمش را بالا ببرد. او در دوره خلافت هم فرصت اداره حکومت را پیدا نکرد، چون در همان دوره درگیر سه جنگ مهم شد که هر يك می‌آیند و زیراندازی در کوچه و خیابان‌های اطراف مسجد پهن می‌کنند.

هم دارد. در طول ماه رمضان، همان همهمه و شلوغی‌تا پاسی از نیمه‌های شب هم دوباره تکرار می‌شود. حاج منصور ارضی سال‌هاست برنامه مناجات‌خوانی‌های رضانی خود را در مسجد ارك برپا کرده و حالا این مراسم تبدیل به یکی از نقاط کانونی رضانی تهران شده است. در ساعات برگزاری مناجات، بسیاری از اهالی پایتخت با همان هیات و مختصاتی که خودشان را به دانشگاه‌های تهران می‌رسانند، به منطقه بازار می‌آیند و زیراندازی در کوچه و خیابان‌های اطراف مسجد پهن می‌کنند.

عمده حضورهای مردمی هم در این منطقه، حضور خانوادگی است. یعنی همان خصیصه‌ای که در شب‌های قدر دانشگاه تهران هم دیده می‌شود. نکته جالب اما در این میان که نبض زندگی در ارك، بیشتر از دانشگاه می‌زند. مراسم دانشگاه به دلیل برگزاری میان حصارهای درون دانشگاه از نظر تعاملات اجتماعی محدود به نوعی دیوان‌سالاری اداری دانشگاه است. هرچند رفت و آمد به داخل دانشگاه با هیچ مانعیتی روبه‌رو نمی‌شود، اما با این حال کاملاًرها از محدودیت‌های اداری مجموعه هم نیست. از این نظر، فضا نسبت به مراسم مسجد ارك کمی پاستوریزه‌تر و دیوان‌سالارانه‌تر است.

اقتصادِ شب قدری

این حالت را با وضعیت شبانه مراسم مسجد ارك مقایسه کنید. نه تنها بخش عمده‌ای از مغازه‌های اطراف از فلافل گرفته تا ساندویچی باز هستند و مشغول خدمات‌دهی به کسانی که در مراسم حضور پیدا کرده‌اند، بلکه دست‌فروشی و بساط‌کردن در مسیر هم از دیگر ویژگی‌های منحصر به فرد زیست شبانه مسجد ارك است. فرقی هم نمی‌کند طالب خریدن ساعت مچی باشید یا چراغ قوه یا پیراهن. حضور پررنگ دست‌فروش‌هایی که اجناس‌شان را برای فروش به کوچه و خیابان‌های اطراف مسجد آورده‌اند، فضا را مشابه حراجی‌های شب عید کرده است که پویایی و زندگی را در روزهای آخر اسفند به شهر می‌آورند. فضایی که به نوعی می‌شود آن را همنشینی زندگی عادی و دین و دنیای مردم با هم توصیف کرد در حد وسع البته.